



بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران

محمد کمالی، محمدباقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک

محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان

محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی

بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمدحسینی، محمدرضا حقیقی

تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک

روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک

آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یارارشدی

واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلانتری درونکلا

نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات

زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت‌مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم

نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسن ابوالحسنی

جرایم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران

سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی

مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار

سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در صنعت نفت با تأکید بر اصل «پرداخت آلوده‌ساز»

هادی مسعودی فر، فاطمه نعیمی شامل

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)

سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص تراجنسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه

سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمدسعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی

حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی

تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکت‌های تجاری

پریسا رضوان، علی زارع

کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمدامین ابراهیمی

نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری

موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان حویبزاوی

سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



Human Dignity in Criminal Law and International Documents

کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمدامین ابراهیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

amin.moradi9049@gmail.com

Mohammad Amin Ebrahimi

Master's student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran

Abstract

Inherent human dignity, which is opposite to acquired dignity, is so important in the international system of human rights and international documents that it is recognized as the basis of human rights, privileges and duties, to the extent that even the realization of values such as justice, freedom and equality without It is not possible. This dignity is also extremely important in criminal law. This dignity plays a fundamental role in the formation, modification and change, interpretation and justification, legitimacy or illegitimacy of criminal rules. The inherent dignity of human beings standardizes and institutionalizes the stages of criminalization and criminal proceedings and prevents the unnecessary and discriminatory intervention of criminal law in the freedom of behavior of citizens. By providing standards and criteria such as justice, freedom of expression, equality and fairness and prohibiting cruel and inhumane, arbitrary and disproportionate punishments and punishments, as well as prohibiting punishment and double trial, torture and harassment and generally using criminals and victims of crime in Criminal proceedings limit the absolute and exclusive criminal sovereignty of states and provide the ground for further convergence in the process of globalization of criminal law.

Keywords: Human Dignity, Criminal Law, International Documents.

چکیده

کرامت ذاتی بشر که در مقابل اکسایبی است، در نظام بین‌الملل حقوق بشر و اسناد بین‌المللی دارای آنچنان اهمیتی است که پایه و اساس حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود، تا آنجا که حتی تحقق ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی و برابری بدون آن ممکن نیست. این کرامت در حقوق کیفری نیز از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. این کرامت در شکل‌گیری، اصلاح و تغییر، تفسیر و توجیه، مشروعیت یا عدم مشروعیت قواعد کیفری نقش اساسی دارد. کرامت ذاتی انسان مراحل جرم‌انگاری و دادرسی کیفری را معیاری و نهادینه نموده و از مداخله غیرضروری و تبعیض‌آمیز حقوق جزا در فضای آزاد رفتاری شهروندان جلوگیری می‌کند. با ارائه معیارها و ضوابطی مثل عدالت، آزادی بیان، برابری و انصاف و منع رفتارها و مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی، خودسرانه و نامتناسب و همچنین منع مجازات و محاکمه مضاعف، شکنجه و آزار و به طور کلی استفاده از انسان بزه‌کار و بزه دیده در مراحل کیفری، حاکمیت کیفری مطلق و انحصاری دولت‌ها را محدود کرده و زمینه را برای همگرایی بیشتر در فرایند جهانی شدن حقوق کیفری فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، حقوق کیفری،

اسناد بین‌المللی.

ارجاع:

ابراهیمی، محمدامین؛ (۱۴۰۲)، کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

حفظ ارزش‌هایی چون عدالت، برابری، آزادی و صلح مستلزم رعایت کرامت انسانی است و همچنین توسعه پایدار، پیشرفت و ترقی جامعه نمودی از رعایت و توجه به کرامت انسانی می‌باشد. کم‌مهری و بی‌توجهی به این اصل جامعه را عقب مانده، گرفتار و به دور از صلح و ثبات نموده و در نتیجه جامعه‌ای پر از ظلم، فساد، بی‌عدالتی و خشونت خواهیم داشت. به دلیل نقش محوری و اساسی این موضوع دانشمندان فلسفه درصدد پاسخ‌گویی به این سوال برآمدند که چرا و به چه مبنایی انسان دارای کرامت ذاتی است؟ و آیا این کرامت قابل سلب است؟ حقوقدانان نیز کرامت انسان را یک موضوع محوری و اساسی دانسته و مباحث زیاد را در این موضوع با رویکرد حقوقی انجام داده‌اند اما این مباحث کامل و راهگشا نبوده است. موضوعات مهم و اساسی که جای بحث و تأمل نظر دارد، از قبیل این که نقش کرامت انسانی در مراحل جرم‌انگاری چیست؟ و همچنین در موضوعات تعیین و اعمال مجازات دادرسی کیفری موضوع کرامت انسانی به خوبی بحث و تبیین نشده است و این نیز معلوم نیست که کرامت انسانی با مجرمیت چه رابطه‌ای دارد و آیا رفتار مجرمانه، کرامت ذاتی را از انسان سلب می‌کند؟ با عنایت به آنچه گفته شد اکنون سوال این پژوهش این است که جایگاه کرامت انسانی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی چگونه و چیست؟

کرامت ارزش ذاتی انسان است که هر کس از هر نژاد، طبقه و خانواده اجتماعی که باشد به دلیل «نیروی فطری عقل» از آن برخوردار است. اندیشمندان فلاسفه و حقوق، کرامت ذاتی انسان را قائم به ذات انسان و جدا از فعل او می‌دانند لذا مرتکب جرم به سبب ارتکاب جرم، کرامتش زائل نگردیده بلکه فقط فعل او قابل

سرزنش و مجازات می‌باشد. لذا تلاش شده تا اراده دولت‌ها در جعل و اجرای قوانین همسو با کرامت ذاتی انسان باشد. کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی دارای ارزش ذاتی و عینی بوده و از چنان اهمیتی برخوردار است که محور و مبنای اصلی حقوق بشر تلقی می‌گردد. در انجام پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه کرامت انسانی در قوانین و مقررات کیفری از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱- مفهوم کرامت انسانی

کرامت واژه عربی است که در لغت به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بخشندگی و بزرگواری آمده است (معین، ۱۳۸۶، ۲۹۲۹) و همچنین به معنای ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه و... می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۶۰۷). با دقت در معنی لغوی کرامت انسانی در می‌یابیم که کرامت بیانگر دو نوع ویژگی و خصوصیت کاملاً متفاوت و متمایز از یکدیگر در وجود انسانی است، یکی ویژگی که جنبه ارزشی را دارا بوده و بیانگر مقام و موقعیت انسان از نظر علمی، اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی است مثل عالم بودن که قابل افزایش و کاهش بوده و اکتسابی می‌باشد اما ویژگی دیگر که ذاتی انسان است مثل انسانیت نه قابل وضع است و نه قابل سلب، این نوع کرامت هیچ‌گونه درجه و رتبه‌ای را نمی‌پذیرد.

می‌توان کرامت ذاتی و اکتسابی را به شرح زیر تعریف کرد: کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی تعقل، تفکر و وجه و نفع‌ه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافت و حیثیتی است که انسان‌ها به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل اخلاقی آن را به دست می‌آورند، یعنی اگرچه همه انسان‌ها از شئون واحد بالقوه برخوردارند، اما کسانی که نیروی درونی و استعدادهای جمیله خود را به ثمر برسانند به کمال و کرامت واقعی دست می‌یابند و این‌جا است که تفاوت بین افراد به وجود می‌آید و افراد دارای مراتب گوناگون و درجات مختلف و مقامات متفاوت نسبت به سعی و تلاش شان در جهت رسیدن به کمال می‌باشد.

۲- مبانی نظری کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

اندیشه حقوق بشر به معنای رایج امروزی برآیند تمدن جدید است و با پیش‌قراولی کشورهای غربی تدوین شده است. پس از تصویب «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در ۱۹۴۸ میلادی در سازمان ملل متحد

کشورهای عضو سازمان آن را به رسمیت شناختند و هر کدام خود را بدان متعهد می‌پندارند. مراد از اندیشه حقوق بشر، نظام حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است.

از آنجاکه اعلامیه جهانی حقوق بشر به طور عمده به همت متفکران جهان غرب تهیه شده است، باید مبانی فلسفی آن را در مفاهیم غربی جست و جو کرد. چون بحث ما ناظر به حقوق بشر و اعلامیه جهانی آن است، دامنه و قلمرو بحث را به نظریه‌ها و مبانی فلسفی درباره موضوع بحث محدود می‌کنیم. آنچه از مطالعه تاریخ تحولات غرب بدون کلیسا به دست می‌آید اندیشه غالب برای جایگزینی کلیسا و پر کردن خلأ موجود «اندیشه سکولار» است؛ یعنی جدایی مذهب از سیاست یا جداسازی مذهب از سیاست که از این رهگذر در قرن هجدهم میلادی اندیشه سکولار نفوذ وسیعی در جهان غرب پیدا کرد. هزینه بزرگی که نهضت رنسانس تحمیل کرد علاوه بر نزاع‌های منطقه‌ای و کشوری جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم بود. فضای آشفته فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ساز جنگ جهانی دوم بود که تروخشک را سوزاند و وجدان این جوامع را به تفکر و تأمل عمیق‌تر واداشت. این وقایع تلخ، یکی از عوامل اساسی بود که تهیه کنندگان اعلامیه حقوق بشر را واداشت تا آرزوهای انسانی و عصاره ادیان الهی را بازنگری کنند و بکوشند آن‌ها را با آخرین تحولات اجتماعی، ایدئولوژی‌های سیاسی و پیشرفت‌های علمی و ادبی وقت تلفیق دهند.

۳- کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی

یکی از اموری که به خوبی جایگاه یک بحث را روشن و تا حدودی انگیزه‌های طرح موضوع را مشخص می‌کند، کاوش درباره پیشینه و روند تاریخی آن است. از این رو، مطالعه روند شکل‌گیری بحث «انسانی ساختن حقوق کیفری در غرب» به ما کمک می‌کند که دریابیم اندیشمندان غرب چرا و با چه انگیزه‌هایی کرامت انسانی را به عنوان ملاک احکام جزایی قرار داده‌اند و آیا این کار توانسته است مشکل جامعه بشری را حل کند؟

۳-۱- پیشینه انسانی کردن حقوق کیفری در اسناد حقوق بشر

در زمان‌های گذشته، انتقام جویی اساسی‌ترین هدف از واکنش در برابر بزهکاران بود. این زمان، بزهکاری‌ها، انحراف‌ها و کجروی‌های مجرمانه افراد را ناشی از تسلط شیطان و ارواح خبیثه بر آنان می‌پنداشتند. در برهه‌ای از تاریخ حقوق جزا، بزهکار را عامل فساد، انحراف و بدبختی جامعه می‌دانستند و

معتقد بودند در مقابل تهدیدها و آسیب‌های ناشی از بزهکاری مجرمان باید از جامعه دفاع و حمایت کرد (احمدی ابهری، ۱۳۷۷، ۱۸۲). این روند مدت‌ها ادامه یافت و مجازات‌ها صرفاً شامل تنبیه‌های بدنی می‌شد و به محکوم به عنوان موجود انسانی کامل توجه نمی‌شد (بولک، ۱۳۹۱، ۲۷). این‌ها بخشی از کیفرهای جسمانی بود که به تناسب ماهیت جرم ارتكابی و وضعیت محکوم و آداب و رسوم، اعمال می‌شد. برای نمونه، کیفر مرگ و اعدام انواع مختلف داشت. این قبیل مجازات و شکنجه دادن‌ها، ناشی از بدبینی و روحیه انتقام‌جویانه و غیرانسانی بود. مطالعات و پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد در دنیای غرب، خصوصیات و ارزش‌های انسانی، کمتر راهنمای تدوین و اجرای مجازات‌ها بوده است. در گذشته، به جای آن، بیشتر برای حفظ قدرت و موقعیت حاکمان، از اهرم حقوقی استفاده می‌شد. سیاست‌مداران از ابزار حقوق برای اداره جامعه استفاده می‌کردند، به دنبال تحکیم و قدرت، افزون‌خواهی خویش و فایده‌رسانی به اطرافیان بودند. حالا این سوال مطرح می‌گردد که از چه زمانی «کرامت انسانی» در ادبیات سیاسی و حقوق بشری نمایان شده است؟

«کرامت انسانی» از آن جهت که به طور رسمی در نظم سیاسی و حقوقی خود را نمایان کرده، مفهومی نورسیده است. البته به مطالعه تاریخ روشن می‌شود ریشه اصلی «کرامت خواهی انسان»، در افکار افلاطون و ارسطو به چشم می‌خورد و سابقه تاریخی آن به دوران پیش از میلاد بر می‌گردد. در دنیای غرب، بیش از سه دهه است که بنیادهای «کرامت انسانی» در کانون توجه فیلسوفان و اندیشمندان قرار گرفته است، هرچند به آن تصریح نکرده‌اند. جنبش روشنگری که بر مبنای منطق و انسان‌گرایی پایه‌گذاری شده بود، در پی تعدیل حقوق کیفری برآمد (آنسل، ۱۳۹۱، ۲۳).

۳-۲- اسناد جهانی

نخستین سند بین‌المللی که صریحاً مفهوم انسانیت را به کار برده است، بند یازدهم مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ مصوب ۱۸۶۸ میلادی است که مقرر می‌دارد: «باید بین ضروریات جنگ و اصول انسانی مصالحه و آشتی برقرار گردد». کنوانسیون لاهه در مورد قوانین بشریت مصوب ۱۸۹۹ میلادی. مقاله نامه منع بردگی مصوب ۱۹۲۶ میلادی. در مقدمه منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ میلادی دفاع از «حیثیت و ارزش شخصیت انسانی» به عنوان زیرساخت مواد منشور یاد شده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی کرامت انسانی بازتاب وسیع‌تری پیدا کرد. در مقدمه آن با تعبیر «حیثیت و مقام و ارزش والای انسانی»

کرامت انسانی به عنوان بنیاد نظم جهانی؛ یعنی صلح، برابری و آزادی تلقی شده است.

معاهده بین‌المللی مربوط به منع کشتار دسته جمعی مصوب ۱۹۴۸ میلادی در مقدمه خود کشتار جمعی را در دوره تاریخی خسارت بزرگ به «انسانیت» دانسته است و بیان می‌کند رهایی جهان «انسانیت» از چنین بلیه بزرگی هدف اصلی این قرارداد را تشکیل می‌دهد. اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ میلادی در مقدمه اش بر « منزلت و ارزش افراد بشر» تأکید می‌ورزد. دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در مقدمه میثاق اول آزادی، عدالت و صلح جهانی را ناشی از «حیثیت ذاتی شخص» دانسته‌اند و در ماده ۷ آن مجازات‌های «خلاف انسانی» منع شده است. ماده ۱۰ هم در حمایت از حقوق متهم به رفتار مطابق شأن انسانی و احترام به کرامت ذاتی او توصیه می‌کند. کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ میلادی با بیان این سخن در مقدمه خود که «اعمال تبعیض علیه زنان ناقض احترام به شخصیت بشر است»، احترام به کرامت بشر را مبنای وضع این معاهده قرار داده است. کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۴۸ میلادی که به طور کلی در مخالفت با هرگونه رفتار مخالف «کرامت انسانی» تهیه و تصویب شده است بر انسانی ساختن مجازات‌ها تأکید می‌ورزد.

کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳ میلادی در مقدمه و ماده‌های یک و دو خود هرگونه رفتار نژادی به منظور حذف گروه نژادی دیگر را مخالف بشریت و غیرانسانی تلقی کرده است. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی در بند الف و بند ج ماده ۳۷ خود بر رعایت «مقام ذاتی و شئون انسانی» کودک تأکید می‌کند. براساس ماده ۴۰ این کنوانسیون با کودکان مجرم یا متهم باید مطابق با شئون و ارزش کودک رفتار شود. در ماده ۳۹ نیز به تسریع بهبودی کودکی توصیه شده که در برابر اعمال خشونت‌آمیز و غیرانسانی قرار گرفته است.

مقررات حداقل معیار رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ میلادی در ماده ۳۱ خود هرگونه مجازات غیرانسانی و قساوت بار را ممنوع می‌کند. اصول سلوک کار پزشکی مصوب ۱۹۸۲ میلادی در اصل دوم اقدام پرسنل بهداشتی و پزشکان را که شکنجه و «رفتار غیرانسانی» تلقی شود جرم اعلان کرده است. قراردادهای ژنو راجع به بهبود زخم داران مصوب ۱۹۴۹ میلادی در ماده ۳ مشترک می‌گویند: «با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند باید در همه احوال با اصول انسانیت رفتار شود. لطمه به حیثیت اشخاص از جمله تحقیر و تخفیف ممنوع است». ماده ۵۰ قرارداد شماره اول و ماده ۵۱ قرارداد شماره دوم نیز «رفتار خلاف انسانیت» را جرم شمرده‌اند و مرتکبان را سزاوار محاکمه و مجازات می‌دانند.

این‌ها بخشی از معاهدات، کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق بشر است که برای عملیاتی‌سازی اندیشه «انسانی ساختن» مجازات در قالب قانون شکل گرفته‌اند.

۴- جایگاه کرامت انسانی در قواعد جدید کیفری و انسانی کردن مجازات‌ها

امروزه افراد هم از تابعان حقوق بین‌الملل به شمار می‌روند. در نتیجه می‌توان گفت که رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر صرف صلاحیت‌های محاکم داخلی نیست. دولت‌ها با پذیرفتن تعاملات بین‌المللی تا حدودی از حاکمیت خود در جرم‌انگاری و دادرسی صرف‌نظر نموده و سلب حاکمیت مطلق از خودشان می‌نمایند و با پذیرش مفاهیم اصول و نهادهای بین‌المللی که در اسناد و حقوق بین‌الملل مطرح شده است، در جهت همگرایی، متحول و گامی به هم نزدیک می‌شوند (پرادل، ۱۳۹۶، ص ۱۷). در تمام این کنواسیون‌ها اعمالی چون کشتار و قتل عام، شکنجه، برده داری، آزار و اذیت به دلایل سیاسی، قومی، نژادی و مذهبی، تبعیض به دلیل قومی و نژادی و مذهبی باز داشت خودسرانه مجازات‌های بی‌رحمانه و وحشیانه نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، که مغایر با کرامت ذاتی انسان است منع گردیده است.

۵- اهداف مجازات

«ناهنجاری» آزادی مطلق در فعل، ترک و رها کردن بزه‌کار، با وجدان افراد و فلسفه دوام حیات اجتماعی، ناسازگار است. اگر مجرم جزایی متناسب با جرم را نچشد و به جایگاه کرامت درباره مجرم نگاه یک‌جانبه داشته باشیم، سبب می‌شود «کرامت بزه دیده» مخصوصاً در مورد قربانی‌هایی که حیات خود را از دست می‌دهند یا به قتل می‌رسند یا ناقص‌العضو می‌شوند، از یاد برود. این امر با وجدان و منطق بشری هم‌خوانی ندارد و به انحلال و نابودی زندگی مدنی می‌انجامد. اعمال کیفر که نوع ضمانت اجرایی حاکمیت «هنجارها» در جامعه است، از نگاه اسلامی، با رویکرد مادی و الهی بر آن تأکید می‌شود. از نگاه اسلام، انسان، موجودی مرکب از «روح و جسم» است که روح الهی در او دمیده شده و مکرم به کرامت ذاتی الهی است و جانشین خداوند در زمین به حساب می‌آید. او از جنبه جسمانی و مادی دارای غرایز و امیال نهفته است که خطرها و آسیب‌هایی او را تهدید می‌کند. کیفر بزه‌کار در راستای کنترل این خطرها و آسیب‌ها است. بنابراین، وجود اصل سزادهی مجرمان و هنجارشکنان بزه‌کار، ضروری است.

مجازات و کیفر مجرم، واکنش اجتماعی در برابر جرم و بزه‌کاری است. انسان به انگیزه خود دوستی و صیانت از ابزار و امکانات معیشتی خویش، همواره در برابر هر آنچه تهدید علیه جان، مال و حیثیت او

تلقی شود، عکس العمل نشان می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت اولین هدف از اعمال مجازات در جامعه بشری، حفظ منافع و رد هرگونه تجاوز و بی‌احترامی به حیثیت انسان بوده است. چنین واکنشی از حالت انتقام‌گیری به دلیل نامحدود بودن به مرور زمان مشکلاتی را به باور می‌آورد، با تشکیل جوامع نظام‌مند و به‌ویژه در پرتو اعمال آموزه‌های دینی، اعمال مجازات از افراد به دولت انتقال یافت. سپس تحولات عمیقی در چگونگی و اندازه مجازات‌ها پدید آمد و تلاش‌های فراوانی برای قانونمند و هدفمند کردن مجازات‌ها و تناسب بین جرم و مجازات انجام گرفت. در فرایند این تلاش‌ها مکتب‌های متعددی پدیدار شدند که هر کدام نسبت به نوع مجازات، اندازه آن، توجیه و مشروعیت و اهدافی که از آن در نظر است، دیدگاه‌های متفاوت و جدیدی ارائه کردند.

۶- اهداف مجازات در حقوق جزای غرب و اسناد حقوق بشری

فلسفه مجازات، از مباحث مهم حقوق جزای عمومی است و مجازات از دیدگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، کیفرشناسی و حقوق قابل بررسی و ارزیابی است. در این میان، نگاه فلسفی به مجازات در فکر پاسخ‌گویی به مسائل فلسفی و اهداف مجازات است. می‌توان گفت در دوره‌های اولیه حیات اجتماعی، ارضای حس انتقام خواهی قربانی جرم و بازپروری احساسات جریحه دار شده وی، توجیه‌گر مجازات و اهداف آن شمرده می‌شد. در دوره‌های اولیه، نگاه به مجازات، بزه دیده محور بود. هدف مجازات را در این می‌دیدند که منزلت و حیثیت قربانی جرم اعاده گردد یا روان آسیب دیده او التیام یابد. در همان عصر، کسانی به این موضوع پی بردند که مجازات انتقام جویانه و بزه دیده محور، نمی‌تواند مبنای جدی و عقلانی برای اعمال کیفر باشد. به همین دلیل، نظریه جرم محور مطرح شد. در مرحله دوم از توجیه مجازات، بر جرم تکیه شد و هدف اصلی از مجازات، اعمال کیفر بر مجرم به تناسب جرم، اعلام گشت. با جرم محوری، عدالت و نظم به هم ریخته دوباره باز می‌گردد و کیفر باید مطابق جرم ارتكابی باشد و در صورت مشابهت جرم با کیفر، تعادل در جامعه برقرار خواهد شد. مشروعیت مجازات نیز به تحقق این اهداف بستگی دارد که به دیدگاه سودمندی معروف است، برخلاف مرحله دوم تحول که به سزادهی توجیه داشت.

۷- جایگاه کرامت انسانی در تحولات حقوق کیفری

توجه به تاریخ تحولات حقوق کیفری نشان می‌دهد که حقوق کیفری در دو بعد ماهوی و شکلی تحت تأثیر کرامت انسانی بوده دائماً در حال تغییر و تکامل بوده است، از جمله می‌توان حذف مجازات بدنی و

اعدام را از ضمانت اجرای کیفری مدیون کرامت انسانی بود. در حقوق کیفری سنتی مسئله انتقام، زجر کشیدن، تحقیر و توهین مجنی علیه در باب مجازات یک اصل بوده است. حتی مجازات در نزد یونانیان که مردمان متمدن بودند نیز بویی از انتقام می‌داده است. مجازات‌هایی چون اعدام، زنده به گور کردن، لای دیوار گذاشتن، سوزاندن و از بلندی پایین انداختن از مجازات رایج و معمول به شمار می‌آمده است. اصلاً چنین مفکوره‌ای درباره مجازات موجود بوده است که به جای اصلاح و بازسازی مجرم، رکن مهم مجازات را درد، انتقام، ارعاب و وحشت می‌دانستند، مجازات‌هایی که از این امور خالی بودند، در ورق مجازات‌ها به حساب نمی‌آوردند.

فلاسفه و اندیشمندانی چون افلاطون با الهام از افکار انسان دوستانه مخالف با این گونه مجازات‌ها بودند. سخنان افلاطون مبتنی بر این حقیقت که انسان هر چند بزهکار هم باشد اما دارای کرامت انسانی است. می‌خواهد بگوید که خشونت، سنگدلی، مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده با طبیعت انسان سازگار نیست چون طبیعت و فطرت انسان شرافتمند و عزیز است. امروزه این نوع مجازات‌ها با ظهور و حضور جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش دفاع اجتماعی نوین از لیست ضمانت اجرای کیفری لغو گردیده یا در حال لغو شدن است. توجه به ضمانت اجرای جدید خصوصاً مجازات‌های سالب آزادی یعنی اصلاح بازپروری و بازپذیری اجتماعی بزهکار و در نتیجه انسانی کردن رژیم داخلی زندان، کاهش فشار و کار اجباری بر بزهکار، توجه به مسائل مادی، ایجاد فضای امن و سرگرم‌کننده برای زندانی، نزدیک ساختن زندگی داخل زندان به زندگی خارج از زندان، تسهیل تماس با خارج از زندان خصوصاً با خانواده، ایجاد کار و... از تحولات مهم کیفرشناسی و حقوق کیفری است که در راستای احترام به کرامت انسانی زندانیان صورت گرفته است. نتیجه آن که کرامت انسانی سبب بازبینی و توجه مسئولین و اندیشمندان حقوقی بر روی مجازات‌ها و ضمانت اجرای جاری در حقوق کیفری گردیده و تحولات بنیادین و اساسی که امروز شاهد آن هستیم از توجه به کرامت انسانی سرزده است.

۸- اعمال متغیر با کرامت انسانی

در این قسمت از بحث اعمالی را بررسی می‌نماییم که با کرامت انسانی سازگاری ندارد و باید برای حفظ کرامت انسانی از ارتکاب این گونه اعمال توسط حکومت جلوگیری به عمل آید.

۸-۱- شکنجه

۱-۸-۱- تعریف شکنجه

شکنجه در اصطلاح عبارت از هرگونه آزار و اذیت جسمی یا روانی شدید است که ماموران دولت در حین انجام وظیفه برای به دست آوردن اقرار و اعتراف متهم یا هر انگیزه دیگر بر متهم یا محکوم علیه اعمال می‌کنند. برابر ماده یک کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی و تحقیرکننده مصوب ۱۹۸۴ میلادی شکنجه به شرح زیر تعریف گردیده است: «شکنجه به هر عملی اطلاق می‌شود که عملاً درد یا رنج‌های شدید جسمی یا روحی بر شخص وارد آورد و منظور از آن این باشد که از این شخص یا شخص ثالث اطلاعات و یا اقرارهایی گرفته شود، یا به اتهام عمل که این شخص یا شخص ثالث مرتکب گردیده تنبیه گردد، یا این که هدف از آن تهدید یا آزار و اذیت جسمی یا روحی توسط عوامل حکومت بر این شخص یا شخص ثالث یا تنبیه او به دلیل دیگر باشد که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض است، مشروط بر این که چنین درد و رنجی توسط ماموران دولت و سایر مقامات عمومی یا با ترغیب یا با رضای صریح یا رضای ضمنی آنان تحمیل شده باشد.» «باتوجه به تعریف ذکر شده به طور خلاصه می‌توان گفت برای تحقق شکنجه دو مورد لازم است. اول این که شکنجه توسط اشخاص رسمی در حین خدمت و یا به مناسبت شغل دولتی و منصب رسمی انجام گردد، دوم این که آزار و اذیت عمدی بوده و عنوان مجازات نداشته باشد.

۲-۸-۱- مبنای ممنوعیت شکنجه

اقرار نگرفتن انسان در تحت شکنجه یا سایر رفتارهای ظالمانه و تحقیرکننده و غیرانسانی چیزی جز کرامت و حیثیت انسانی چیزی دیگر نیست، چون که تمام انسان‌ها به صورت مساوی از حیثیت و کرامت مشترک برخوردارند که کسی نمی‌تواند این کرامت و حیثیت را نادیده بگیرد. وقتی حکومت بخواهد به وسیله شکنجه اطلاعات به دست آورد و یا اقتدار سیاسی خویش را حفظ کند، بدون توجه به اصول انسانی و کرامت ذاتی انسان‌ها انواع صدمات، مجازات و شکنجه‌های مختلف را بر متهمان و محکومان روا دارد و از طریق شکنجه بخواهد به اهداف و اغراض خود دست یابد، آیا این جز محروم کردن انسان‌ها از کرامت ذاتی شان نیست؟ آیا انسان‌ها در این صورت به صورت یک وسیله مورد استفاده قرار نمی‌گیرند؟ پس واضح است که مبنای نظری ممنوعیت شکنجه حفظ کرامت و شایستگی انسان‌ها است چون تمام انسان‌ها از این حیثیت به صورت ذاتی برخوردارند و کسی نمی‌تواند آن را از انسان سلب کند.

۳-۸-۱- ممنوعیت شکنجه در اروپا

زمانی بود که شکنجه یک عمل قانونی برای اقرار و اعتراف و گرفتن اطلاعات قلمداد می‌شد، خوشبختانه این رفتار غیرانسانی نیز از دایره اثرگذاری بکارها و جنبش اصلاحات جزایی بیرون نماند و کشورها یکی پس از دیگری به لغو مجازات شکنجه اقدام کردند. معاهده اروپایی پیشگیری از شکنجه و مجازات‌ها یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرکننده اقدام قانونی برای حذف شکنجه بود که در تمام کشورهای عضو عملی شد. علاوه بر این معاهده کمیته اروپایی برای نظارت بر زندان‌ها در ۱۹۸۷ میلادی تشکیل شد که از محل نگهداری افراد محروم از آزادی بازدید می‌کرد و دارای صلاحیت قانونی برای بازدید از هر گونه محرومیت از آزادی در هر مکانی از اروپا به‌ویژه با مجوز مذاکره و صحبت بدون مانع با افراد محروم از آزادی در زندان‌ها بودند. این عملیات برای حذف شکنجه و معیاری شدن محیط زندان عملی شد. در نتیجه شکنجه‌های شدید که در نظام اروپایی‌ها مرسوم بود و کرامت انسانی را خدشه دار می‌ساخت با تلاش جمعی از اندیشمندان اروپایی کم‌کم از قوانین کیفری این کشورها حذف شد.

۴-۸-۱- ممنوعیت شکنجه در اسناد حقوق بشر

ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شکنجه و مجازات غیرانسانی را منع کرده است. افزون بر این، در ۱۹۷۵ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۳۴۵۲ اعلامیه‌ای در حمایت از تمامی افراد در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات ظالمانه و غیرانسانی صادر کرد که دولت‌ها را وادار می‌نمود تا اقدامات مقرر برای جلوگیری از شکنجه و پرداخت غرامت به قربانیان را انجام دهد. بدین ترتیب منع شکنجه از نگاه حقوق بین‌الملل بسیار صریح و روشن است و مبنا و اساس این ممنوعیت هم حیثیت و کرامتی ذاتی انسان است.

ویژگی‌های ماهوی و شکلی در معاهدات منع شکنجه به چشم می‌خورد که در معاهدات لغو مجازات اعدام نیست، نخستین ویژگی فراگیر آن، این است که هیچ گونه استثنایی را در هیچ شرایطی نمی‌پذیرد از قبیل جنگ، تهدید امنیت داخلی، تهاجم خارجی، تروریسم و مصلحت نظام و کشور. هرگز اعمال شکنجه را و همچنین اعمال و رفتارهای خشن و موهن را نمی‌تواند توجیه کند (رابرتسون، ۱۳۹۲، ۲۲۳). ویژگی دوم، صلاحیت عام رسیدگی به جرم شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی است. یعنی هر کشوری می‌تواند مجرم را مجازات یا مسترد کند ولو متهم به یک مورد شکنجه باشد.

اصل منع شکنجه و رفتارهای خشن از اصول و قواعد جهانی و فراتر از زمان و مکان است و به موجب معاهدات بین‌المللی و عرف بین‌المللی لازم الاجرا شده است. با توجه به این معاهدات بدون شک، شکنجه با حقوق بین‌الملل مغایر است. نتیجه این اجماع آن است که کسانی که به ارتکاب شکنجه متهم شده‌اند یا دستور آن را صادر کرده‌اند در هر جا باشند، باید بازداشت شوند سپس یا در کشوری که آن‌ها را به دام انداخته محاکمه شده و مجازات‌شان تعیین گردد و یا به کشوری که آمادگی صلاحیت محاکمه جهانی را دارد منتقل شوند.

۸-۲- ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب

امروزه در نظام‌های حقوقی بسیار از کشورهای جهان حق قرار نگرفتن انسان در معرض مجازات‌های نامتناسب به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری تلقی می‌شود. این حق که به طور مستقیم از اصل کرامت و حیثیت ذاتی انسان ناشی می‌شود، در بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و ملی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است. در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۴۹ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا اصل تناسب جرایم و مجازات‌ها و ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب را به صورت صریح یا ضمنی مورد تأکید قرار داده‌اند.

پیش‌بینی این قبیل مقررات در نظام بین‌المللی حقوق بشر بیانگر آن است که امروزه دوران حاکمیت مطلق و انحصاری دولت‌ها در جرم‌انگاری، تعیین مجازات، تعقیب، محاکمه و مجازات شهروندان سپری گردیده است. در قوانین اساسی بسیاری از کشورها نیز نظیر چنین مقرراتی پیش‌بینی شده است. به رغم اهمیتی که اصل ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب دارد، ولی تاکنون در هیچ کدام از اسناد مربوط به حقوق بشر مجازات‌های نامتناسب تعریف نگردیده است و ضابطه و ملاک دقیقی برای تبیین مفهوم تناسب جرم و مجازات و ارزیابی مجازات‌های متناسب ارائه نشده است. بعضی از معیارها مثل معیار بازدارندگی عمومی و خصوصی، مصلحت عمومی و اصلاح مجرم که برای تعیین و ارزیابی مجازات‌های متناسب ارائه گردیده است کاملاً با فلسفه اصل وجودی اصل تناسب مغایرت دارد.

نتیجه

با عنایت به آنچه گفته شد، به نتایج زیر دست می‌یابیم که اولاً کرامت انسانی یک امر ذاتی، غیرانتزاعی و قائم به ذات انسان است. به عبارت دیگر، انسان به مقتضای طبیعت و ماهیتی که دارد، دارای کرامت است و این کرامت برخلاف آنچه برخی از اندیشمندان

گفته‌اند با ارتکاب جرم از انسان زائل نمی‌شود، لذا آنچه قابل سرزنش می‌باشد رفتار مجرمانه او است نه ذات انسان. آیاتی در قرآن کریم به این امر اشاره دارد که کافران و بعضی از انسان‌های دیگر را به جهت عدم استفاده صحیح از نیروی تفکر، تعقل و قدرت بینایی و شنوایی شان به حیوانات تشبیه نموده است، به معنای زائل شدن وصف کرامت ذاتی انسان از آنان نیست، بلکه به آن معنا است که آنان چون انسان‌های تکامل نیافته، خلایق و استعدادهای خدادادی شان را انکشاف نداده‌اند، در حد نباتات و حیوانات باقی مانده‌اند؛ چنانچه اگر معیار برای اصل کرامت را ایمان و تقوا بدانیم یا آن را مشروط به عدم ارتکاب جرم و جنایت نماییم و یا اصل یاد شده را یک اصل و حیانی تلقی کنیم که عقل، قطع نظر از منابع دیگر قادر به درک آن نباشد هرگز قادر نخواهیم بود که یک نظام حقوقی جهانشمول که بتواند روابط انسان‌ها را با هم تنظیم کند طرح و تطبیق نماییم.

ثانیاً کرامت ذاتی انسان چون براساس آزادی اراده، اختیار، استقلال ذاتی، قدرت انتخاب، توانایی تعقل و تفکر است ایجاب می‌کند که این کرامت به عنوان یکی از معیارهای اساسی قانون‌گذاری، دادرسی کیفری و اعمال ضمانت اجراهای کیفری در نظر گرفته شود. تا ایجاد محرومیت شهروندان از آزادی، حق انتخاب و ارده آزاد به سبب جرم‌انگاری جرائم و اعمال مجازات، محدود و پایبند به ضوابط انسانی و اخلاقی همچون عدالت، برابری، آزادی، مساوات و تناسب گردد و جلو استفاده ابزاری حقوق جزا از انسان بزهکار یا بزه دیده برای رسیدن به اهدافی چون ارعاب عمومی، دفاع اجتماعی و حمایت از منافع عمومی را بگیرد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌ها و نتایج فوق امور زیر پیشنهاد می‌گردد: برای حفظ کرامت انسانی، حفظ قداست و احترام به اصل غایت بودن انسان، اعمالی نظیر شبیه سازی، تجارت اعضاء و جوارح، اجاره رحم برای کسب درآمد، استثمار و استعمار انسان‌ها که از بدترین نوع بردگی به حساب می‌آیند در قوانین کیفری جرم‌انگاری شوند. از رفتارهایی که داخل در قلمرو صلاحیت دولت نیست و جرم‌انگاری آن‌ها زیاده روی و دخالت در فضای آزاد رفتاری شهروندان به حساب می‌آیند، باید جرم زدایی شوند چون نباید از حقوق جزا برای اجتناب مردم از گناه خصوصاً گناهان که هیچ زیان و صدمه آشکار اجتماعی در آن دیده نمی‌شود بهره جست. معیار تناسب مجازات با جرم ارتكابی خصوصاً معیار صدمه وارده، اهمیت نسبی و

مطلق جرایم ارتكابی، نوع جرم و خصوصیات شخصیتی مرتكب و معیار تقصیر بزه دیده در فرایند قانون گذاری مورد توجه قانون گذاران قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- آنسل، مارک، ۱۳۹۱، **دفاع اجتماعی**، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- احمدی ابهری، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۷، **اسلام و دفاع اجتماعی**، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب.

- بولک، برنارد، ۱۳۹۱، **کیفرشناسی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.

- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **لغت نامه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- رابرتسون، جفری، ۱۳۹۲، **جنايات عليه بشریت**، چاپ سوم، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم انسانی رضوی.

- معین، محمد، ۱۳۸۶، **فرهنگ معین**، چاپ سوم، تهران، انتشارات زرین.

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

- An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege
Mohammad Mahdi Asadi
- Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law
Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir
- The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child
Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi
- Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency
Mohammad Javanbakht, Parisa Karimej, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski
- Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document
Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi
- The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis
Maryam Kamaei, Zahra Ansarifar, Petter Gottschalk
- Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts
Arman Yaghoobi Moghadam, Mohammad Gholampor Vishkaei, Mohammad Yazarshadi
- Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context
Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela
- The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment
Zahra Nazari
- Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law
Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani
- Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law
Sayyedeh Faezeh Fatemi
- Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits
Moslem Alahyari
- Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge
Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan
- Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle
Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel
- The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)
Sayyed Hossein Dehghan Naycri, Maryam Mosaferi
- The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)
Mohammad Saeid Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4
- Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System
Marjan Negahi Mokhlesabadi
- Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies
Parisa Rezvan, Ali Zare
- Human Dignity in Criminal Law and International Documents
Mohammad Amin Ebrahimi
- The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions
Elham Derki, Ayda Mokhtarch, Behnam Rastegari
- Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012
Sadegh Banitarafian Havizavi
- The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects
Yasser Shakeri